

دولت بازتوزیعی



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

همیشه این سؤال برایم مطرح بوده است که چرا اغلب شرکت‌ها کوچک و بزرگ، دولتی و غیردولتی در تهران دفتر دارند و مدیران آنها مرتب به تهران رفت‌وآمد دارند. گاهی پاسخ این بوده که برای پیگیری امور اداری، اما دقیقا کدام امور اداری؟ موضوع دیگری که اغلب مطرح می‌شود، این است که اگر فردی سالم و غیرجناحی که وابسته به هیچ گروه سیاسی نباشد و به‌اصطلاح مردمی باشد، بتواند در انتخابات ریاست جمهوری رای بیاورد، می‌توان امیدوار به تغییر بود. اما چرا اغلب چنین نبوده است. سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا فعالان اقتصادی، کارآفرینان و شرکت‌های تجاری که در بازار مانده‌اند و توسعه پیدا کرده‌اند، به دلیل کارایی‌شان بوده است؟ اغلب گمان می‌کنیم که این‌گونه نیست. اما چگونه می‌توان این مسائل را توضیح داد. پاسخ در سنت بازتوزیعی است که بر دولت‌ها (نه‌فقط قوه مجریه) حاکم است. از سه نوع بازتوزیع می‌توان سخن گفت. ۱. بازتوزیع ابزار تولید که در اینجا محل بحث ما نیست، ۲. بازتوزیع غیرمستقیم منابع برای آموزش و بهداشت رایگان و باکیفیت. این نوع بازتوزیع کارآمد و در راستای توسعه است، ۳. بازتوزیع مستقیم منابعی مانند ارز، انواع یارانه و معافیت‌های مالیاتی که در این نوشتار محل بحث است. سازوکار حاکم بر دولت‌ها (به معنای عام) در ایران مبتنی بر سنت بازتوزیع مستقیم منابع مانند انرژی، ارز، تسهیلات، امتیازات، معافیت‌های مالیاتی و... در بین گروه‌های ذی‌نفع مختلفی است که مدعی‌اند سزاوارترین برای دریافت این منابع هستند. دولت‌ها با اهداف اقتصادی (کاهش قیمت کالاها) سیاسی یا ایدئولوژیک به افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها امتیاز، یارانه، تسهیلات، ارز و معافیت مالیاتی می‌دهند. مسئله اینجاست که بخش زیادی از فعالیت‌های دولت صرف بازتوزیع این منابع می‌شود. با چنین کاری منافی برای عده‌ای و هم‌زمان هزینه‌هایی برای دیگران ایجاد می‌شود. رقابت برای منابعی که دولت مدام درگیر بازتوزیع آن است، فقط در میان گروه‌ها و احزاب سیاسی جریان ندارد، بلکه در میان فعالان اقتصادی هم وجود دارد و همه سعی می‌کنند شرکتی تأسیس کنند که از بازتوزیع منابع بهره ببرند. برخی گروه‌ها برای دستیابی به منابع بیشتر یا توجیه منابع دریافتی، رسانه هم تأسیس کرده‌اند. این رسانه‌ها برای فشار به دولت برای بازتوزیع منابع به نفع گروه‌های خاصی فعالیت می‌کنند. فعالان اقتصادی و کارآفرینان به جای ارتقای کیفیت محصولات و ارائه خدمات بهتر سعی می‌کنند به مقامات دولتی نزدیک‌تر شوند تا از چگونگی منابعی که قرار است بازتوزیع شود، اطلاع یابند. اغلب این‌گونه نیست که فعالان اقتصادی به دلیل کارایی و کیفیت بهتر در بازار مانده‌اند، بلکه به خاطر بهره‌مندی از منابع بازتوزیع‌شده دولت به ضرر بقیه است که قدرتمند شده‌اند. «دستور در کتاب راه دیگر معتقد است که سنت بازتوزیع باعث سیاسی شدن جامعه و سیاست‌زدگی آن می‌شود. با فهم سنت بازتوزیعی است که می‌توان به این سؤال پاسخ داد که چرا همه شرکت‌ها در تهران دفتر دارند، چون برای چانه‌زنی و رایزنی برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از منابعی است که دولت بازتوزیع می‌کند. هر رئیس جمهوری که به قدرت می‌رسد، به‌ناچار باید تصمیم بگیرد که منابع را چگونه بازتوزیع کند و به‌همین‌دلیل در اکثر دولت‌ها مسئله فساد در بازتوزیع منابع مانند ارز و انرژی و تسهیلات شکل می‌گیرد. گروه‌های مختلف جامعه مانند پرستاران، معلمان، کارگران، بازنشستگان و... مطالبه دستمزدهای بالاتری دارند. شرکت‌های بزرگ تلاش می‌کنند از یارانه انرژی، ارز و تسهیلات بیشترین بهره را ببرند و نگذارند قوانینی وضع شود که رقابت ایجاد کند. خودروسازان مثال خوبی است. مصرف‌کنندگان می‌خواهند قیمت‌ها پایین بیاید، شرکت‌های واردکننده و صادرکننده دنبال ارز بیشتر هستند و بوروکراسی تودرتوی دولتی به دنبال حفظ خود است و وجود خود را ضروری و مفید می‌داند.

در برخی مواقع سیاستمداران و مدیران ارشد نیستند که درگیر توزیع منابع هستند. در هزارتوی بوروکراسی دولتی ارزش‌مندی‌ها و قوانینی وضع می‌شود که ظاهرا در جلسات مصوب شده است اما بدون توجه به پیامدهای مثبت و منفی منابع را ناعادلانه توزیع می‌کنند. بازتوزیع منابع طبیعی در بین افراد و گروه‌های خاص از همه جالش برانگیزتر است. با شدت‌گرفتن سازوکار بازتوزیع منابع ازشمند بین‌نسلی بیم آن می‌رود که کشور منابع ارزشمند خود را از دست دهد. همه این‌ها موجب دلسردی، نااطمینانی و فساد می‌شود. جامعه، افراد و گروه‌هایی را که با یک لطف و رانت دولت ثروتمند شده‌اند، می‌بیند و اشتیاق و علاقه به کارکردن و سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهد. در صورت چنین رویکردی، انگیزه‌ها برای خلق ثروت روز‌به‌روز کاهش می‌یابد.

دوشنبه ۱ دی ۱۴۰۴
۱ رجب ۱۴۴۷
۲۲ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۸۶
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

ولادت حضرت امام مجتهد **قرن ۱۳** **تسریک می‌گویم**

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: توقیف دومین نفتکش در آب‌های ونزوئلا • کجا رفت آن فوتبالی که به یاد داریم؟ • نزدیکی روسیه و اروپا؛ تهدیدات امنیتی چین / محمود اشرفی

پنج اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» از تحمیل خسارت سنگین تحریف علم بر اقتصاد کشور می‌گویند

اقتصاد در دام شبه‌علم

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

یادداشت

به بهانه لغوشدن شب دکتر جواد طباطبایی در دانشگاه تهران



احسان هوشمند

خارج از دانشگاه و به تنهایی بیش از هر دیپارتمانی در علوم اجتماعی و علوم سیاسی ایرانی درباره ایران اندیشید و ضرورت‌های تأمل درباره ایران را تشریح کرد.

در روزهای گذشته کانون ایران‌شناسی دانشجویان دانشگاه تهران با همکاری مجله بخارا برنامه‌ای تحت عنوان «شب هشتادسالگی سیدجواد طباطبایی» تدارک دید و قرار بود در این برنامه شماری از استادان و همکاران سابق استاد و گروهی از پژوهشگران به مناسبت هشتادسالگی جواد طباطبایی در سال فردوسی دانشگاه تهران و همراه علاقه‌مندان به جواد طباطبایی گرد هم آیند و ساعاتی به بزرگداشت و بررسی و ارزیابی آثار سیدجواد طباطبایی پرداخته شود. گویا تمام مجوزهای لازم هم گرفته شده بود و دانشگاه با اجرای برنامه موافقت کرده بود اما یک روز مانده به برگزاری برنامه اعلام شد که نهادهای غیردانشگاهی دولتی با اجرای برنامه مخالفت کرده و برنامه «شب جواد طباطبایی» لغو شد. در اینکه در سال‌های اخیر فعالیت‌های فرهنگی و علمی و دانشجویی در دانشگاه‌های کشور با موانعی دست به گریبان است، سخنی نیست اما مخالفت با برنامه‌ای فرهنگی که تنها برای قدرشناسی از زحمات یک عمر تلاش‌های بی‌وقفه و مؤثر یک استاد و محقق و نویسنده صاحب‌نام و

یادداشت

بالانس میان سیاست داخلی و سیاست خارجی



کیکاس بورایوبی

ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی خود نسبت به ایران درخواست‌های غیرقابل قبولی دارد. درخواست‌هایی که نه‌تنها هیچ سیاست‌مداری آن را نمی‌تواند بپذیرد، بلکه حتی میچ شهروند ایرانی با هیچ منطقی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و به آن تن دردهد؛ نداشتن موشک‌های بالستیک و سلاح‌های استراتژیک متعارف. نداشتن این‌ها یعنی خلع سلاح کامل و تسلیم محض خواسته‌ها و زیادی خواهی‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای کشورهای بزرگ و رقبای منطقه‌ای ما. این خواست فقط تقاضای آمریکا و اسرائیل نیست، حتی بسیاری از کشورهای همسایه جنوبی خلیج فارس ما از این دکتترین نامشروع دفاعی پیشنهادی ایالات متحده استقبال می‌کنند یا خواهند کرد. آن‌وقت تمامیت ارضی ما نه‌تنها مورد تهاجم اسرائیل خواهد بود، معتقدم امارات متحده عربی با اجماع جهانی

که علیه ما نسبت به جزایر سه‌گانه به راه انداخته و آن را تبدیل به آمره و قاعده بین‌المللی کرده است، دست‌اندازی به تمامیت ارضی ایران را بیشتر از گذشته، پیشه خود خواهد کرد. فراموش نکنیم ایران ضعیف را بسیاری در منطقه دنبال می‌کنند و آن را لازمه ثبات خود می‌دانند؛ بنابراین صحبت‌کردن از نابودی موشک‌های بالستیک، سلاح‌های متعارف و بازدارنده خلاف منافع ملی و سیاست ارضی ماست. از طرف دیگر قبول اینکه هیچ راه‌حلی برای خروج از سیاست خارجی فعلی کشور که فقط نظاره‌گر امور است هم قابل توجیه نیست. سیاستمداران وطن‌پرست، معتقد، ملی‌گرا و بنامی داریم که اصلا آن رفتار را قبول ندارند و به این طرز تلقی منفعلانه اعتقاد ندارند و آن را نه‌تنها

در شرایط میان‌مدت و بلندمدت برای کشور و منافع ملی مضر می‌دانند، حتی در حال حاضر معتقدند ضربه‌ای که کشور از آن می‌خورد، قابل جبران نیست، پس چرا از تجربه، دانش، بیش و فرمول آنان استفاده نمی‌شود؟ چرا آنان را در این شرایط ختیر به کار نمی‌گیریم که عملا ثابت شود می‌شود در سیاست خارجی تکانه‌هایی به خرج داد؟

وقتی وزیر خارجه در دایره‌ای

از کلمات تکراری گرفتار می‌شود

تهران و چرخه تعلیق



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از جهش آمار تب دگی در هرمزگان؛ افزایش ۱۲برابری مبتلایان و تثبیت کانون‌های محلی انتقال

زنگ خطری از جنوب

مشاور رئیس و مدیر پروژه دارورسانی اینترنتی سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با «شرق»

پلتفرم‌ها فقط دنبال

سود هستند

اصلاح آیین‌نامه شهرداری، پیامدها و چالش‌ها برای زاکانی

پایان راه شهرداران

غیرمتخصص

واکاوی وضعیت فوتبال در گفت‌وگو با کربکندی

تفکر حرفه‌ای نداریم

گفت‌وگو با محمدعلی صفورا درباره ضرورت بازتعریف نقش پژوهش در سینمای ایران

سینمای ایران بدون

پژوهش صنعتی نمی‌شود

درس آرال را برای دریاچه ارومیه نیاموختیم

یادداشتی از مهدی زارع

یادداشت

آنان و دیگران^(۱)



حسین ناصری

روان‌شناس پیشگیری

طبق تعریف، سیاست سلامت (health policy) تصمیمات، برنامه‌ها و اقداماتی هستند که برای محقق‌کردن اهداف حوزه سلامت در یک جامعه به اجرا درمی‌آیند. براساس توصیه‌های سازمان جهانی بهداشت، وقتی سیاست سلامت از شفافیت لازم برخوردار باشد، منجر به این می‌شود که چشم‌انداز مشخصی برای آینده تعریف شده و سطح سلامت جامعه ارتقا یابد. در این چشم‌انداز است که اولویت‌ها و نقش‌های مورد انتظار از ساختارهای مختلف سیاست‌گذاری و اجرا در بخش‌های مختلف حاکمیتی و غیردولتی مشخص می‌شود. برای محقق‌شدن اهداف سیاست سلامت، ضروری است که عموم مردم نیز از کلیات سیاست سلامت کشور، برنامه‌های مختلف و نحوه مشارکت و مسئولیت خود به‌درستی مطلع شده و مشارکت لازم را داشته باشند. لازم به ذکر است که سیاست سلامت دارای بخش‌های مختلفی است که می‌توان به مواردی، بیمه و مراقبت‌های فردی اشاره کرد. سیاست سلامت روان نیز از جمله طبقات مهم سیاست سلامت محسوب می‌شود. برای ارزیابی جامع سیاست سلامت روان کشور، گاهی از عملکرد کشورها ی شاخص، نقش مهمی در مشخص‌شدن کیفیت خدمات، نقاط قوت و ضعف و برنامه‌ریزی برای اصلاح نواقص در دیگر کشورها خواهد داشت.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

WWW.SHARGHDAILY.IR

ما پنج دوره مذاکره کردیم و دستاوردی نداشتیم، چرا؟ خود ما نیز باید بیندیشیم و جواب داشته باشیم. طرف مقابل آن زمان از ما چه می‌خواست و اکنون چه می‌خواهد و از همه مهم‌تر با این دست‌فرمان حرکت‌کردن در آینده چه می‌خواهد؟ آیا او لحظه به لحظه در حال پیشروی خواسته‌های خود نیست؟ خواسته‌هایی که روز به روز روی هم انباشته می‌شود و گر‌های کوری بیشتر در استراتژی خارجی ما ایجاد می‌کند. از طرف دیگر همان اندازه که سیاست خارجی ما مبهم است، در داخل نیز چندین معضل اساسی داریم که دست‌کمی از سیاست خارجی ما ندارد. همان اندازه که سیاست خارجی فعلی ما چالش‌زاست، سیاست و مدیریت داخلی ما

نیز چالش‌زاست . فقر شدید و رو به گسترش اجتماعی، رشد منفی توسعه ملی، کاهش شدید ارزش پول ملی، گسری شدید بودجه، تورم فراینده، شکاف طبقاتی، بیکاری، مشکلات محیط‌زیستی و... بالاخره با اینها باید چه کار کنیم؟ اگر در صحنه‌های جهانی و بین‌المللی حضور نداشته باشیم، می‌توانیم این مشکلات را حل کنیم؟ بشخصه معتقد هستم اگر حتی سیاست خارجه را به امان خدا رها کنیم، مشکلات داخلی، کشور را در تنگناهای عظیمی فرو خواهد برد، پس خطر دوطرفه و مسیر و راه پیش‌رو بسیار پرپیچ‌وخم است. حکمرانی نوین و پیشرفته حکم می‌کند تعادلی باید بین این دو مورد ایجاد شود تا کشور از آسیب‌ها در امان بماند و اکنون وقت آن نیست که با زمان مدارا کنیم، این خود زمان است که ثایه به ثایه برای ما تصمیم می‌گیرد و آینده ما را مشخص می‌کند، پس قبل از تصمیم‌گیری زمان، ما برای خودمان تصمیمات اساسی بگیریم.